

اثربخشی بسته توانمندسازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر بر هوش شخصیتی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در زنان خیانت‌دیده

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

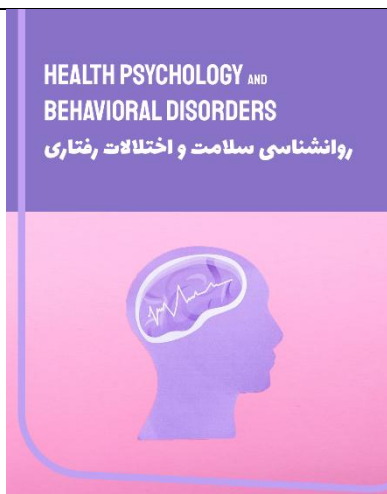
تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی بسته توانمندسازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر بر بهبود هوش شخصیتی و افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در زنان خیانت‌دیده بود. پژوهش حاضر به روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون-پیگیری و گروه کنترل انجام شد. جامعه پژوهش شامل زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی مراجعه‌کننده به کلینیک‌های منطقه ۱ تهران بود. تعداد ۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. گروه آزمایش طی ۱۴ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای بسته توانمندسازی مبتنی بر هوش متبلور ماهر را دریافت کرد. ابزار سنجش شامل پرسشنامه هوش شخصیتی و پرسشنامه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بود که در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری تکمیل شد. داده‌ها با تحلیل کوواریانس و تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر تحلیل گردید. نتایج نشان داد میانگین نمرات هوش شخصیتی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در گروه آزمایش در پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون افزایش معناداری داشت و این افزایش در مقایسه با گروه کنترل نیز معنادار بود. همچنین تعامل گروه و مراحل سنجش معنادار گزارش شد که نشان‌دهنده پایداری نسبی اثر مداخله در دوره پیگیری است. آموزش بسته توانمندسازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر می‌تواند به‌طور مؤثر هوش شخصیتی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی زنان خیانت‌دیده را ارتقا دهد. این یافته‌ها کاربرد بالینی این بسته آموزشی را برای درمانگران و مشاوران خانواده تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌گان: هوش متبلور ماهر، توانمندسازی فردی، هوش شخصیتی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی،

زنان خیانت‌دیده

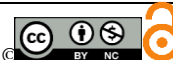


ماریا غایی پناه^۱، ابوطالب سعادت‌شامیر^{۲*}، سعید احمد خسروی^۱، سیده زهرا ساداتی^۱

۱. گروه روانشناسی، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.
۲. گروه روان‌شناسی تربیتی و شخصیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: seadatee@yahoo.com

شیوه استناددهی: غایی پناه، ماریا، سعادت‌شامیر، ابوطالب، احمد خسروی، سعید، و ساداتی، سیده زهرا. (۱۴۰۵). اثربخشی بسته توانمندسازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر بر هوش شخصیتی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در زنان خیانت‌دیده. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*، ۱۴(۱)، ۱-۱۶.



The Effectiveness of a Personal Empowerment Package Based on Maher Crystallized Intelligence on Personal Intelligence and Psychological Flexibility in Betrayed Women

Submit Date: 2025-09-18

Revise Date: 2025-11-28

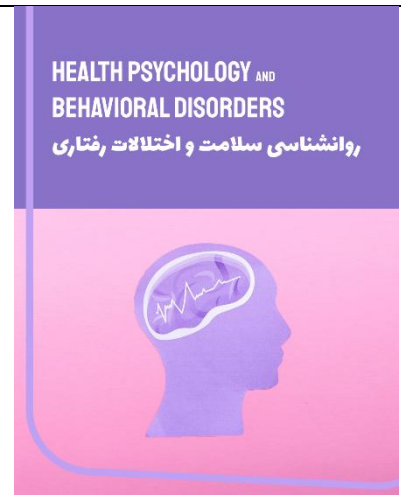
Accept Date: 2025-12-02

Publish Date: 2026-03-21

Abstract

This study aimed to examine the effectiveness of a personal empowerment package based on Maher crystallized intelligence in enhancing personal intelligence and psychological flexibility among betrayed women. The research employed a quasi-experimental design with pre-test, post-test, and one-month follow-up assessments using a control group. The statistical population consisted of women harmed by marital infidelity referred to counseling clinics in District 1 of Tehran. Thirty eligible women were selected using purposive sampling and randomly assigned to experimental and control groups. The experimental group received a 14-session (90 minutes each) crystallized-intelligence-based empowerment program. Data were collected using the Personality Intelligence Questionnaire and the Psychological Flexibility Questionnaire, administered in three stages. Statistical analyses included univariate ANCOVA and repeated-measures ANOVA. The results indicated significant improvements in personal intelligence and psychological flexibility in the experimental group at post-test and follow-up compared with pre-test, while the control group showed no significant changes. Interaction effects between group and time were significant, demonstrating the sustained impact of the intervention across stages. The crystallized-intelligence-based personal empowerment package effectively enhanced both personal intelligence and psychological flexibility in betrayed women, supporting its clinical applicability for counselors and family therapists working with this population.

Keywords: *Crystallized intelligence, personal empowerment package, personal intelligence, psychological flexibility, betrayed women*



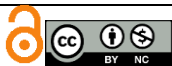
Maria Ghayebipناه¹, Aboutaleb Saadati-Shamir^{2*}, Saeed Ahmad Khosravi¹, Seyedeh Zahra Saadati¹

1. Department of Psychology, Ki.C, Islamic Azad University, Kish, Iran

2. Department of Educational Psychology, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: seadatee@yahoo.com

How to cite: Ghayebipناه, M., Saadati-Shamir, A., Ahmad Khosravi, S., & Saadati, S.Z. (2026). The Effectiveness of a Personal Empowerment Package Based on Maher Crystallized Intelligence on Personal Intelligence and Psychological Flexibility in Betrayed Women. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 4(1), 1-16.



افزایش تنش‌های عاطفی، تعارضات زناشویی و آسیب‌های مرتبط با روابط نزدیک در دهه‌های اخیر موجب شده است که پژوهشگران حوزه روان‌شناسی خانواده به بررسی عمیق‌تر سازوکارهای شناختی، هیجانی و شخصیتی دخیل در فروپاشی روابط زوجین و شکل‌گیری رفتارهای آسیب‌زا مانند خیانت زناشویی بپردازند. در این میان، نقش هوش‌های چندگانه - به‌ویژه هوش متبلور، هوش هیجانی و هوش شخصیتی - در فهم و مدیریت موقعیت‌های پرتنش روزافزونی یافته است. مجموعه‌ای از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توانایی شناختی و هیجانی افراد می‌تواند کیفیت ارتباط، نحوه مواجهه با فشارهای عاطفی و میزان گرایش یا مقاومت در برابر رفتارهای مخرب بین‌فردی را تحت تأثیر قرار دهد (Gunduz, 2013; Hussein, 2021). در واقع، تعامل بین مؤلفه‌های شناختی و هیجانی نه تنها بر سبک ارتباطی افراد اثر می‌گذارد، بلکه در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی، انعطاف‌پذیری ذهنی و تمایل به درگیر شدن در رفتارهای پرخطر عاطفی نیز نقش اساسی دارد (Sadri, 2018; Damirchi et al., 2018).

با توجه به این اهمیت، در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به هوش متبلور ماهر (Maher Crystallized Intelligence) شده است؛ نوعی توانایی مبتنی بر دانش انباشته، تجربه‌های گذشته، تفکر تحلیلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های شناختی برای تصمیم‌گیری در موقعیت‌های دشوار. پژوهش‌های انجام‌شده در ایران این نوع هوش را نه تنها یک توانایی شناختی، بلکه یک سازه چندبعدی دانسته‌اند که در حوزه‌هایی همچون مهارت‌های حل مسئله، تنظیم هیجان، مدیریت روابط اجتماعی، شناخت ویژگی‌های شخصیتی و واکنش‌های سازگارانه نقش کلیدی ایفا می‌کند (Seadatee Shamir, 2024). در واقع، هوش متبلور متکی بر دانش و تجربه قبلی است و فرد را قادر می‌سازد تا در مواجهه با چالش‌های زناشویی، واکنش‌های منطقی‌تر و تحلیل دقیق‌تری ارائه دهد.

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که هوش متبلور ماهر یک متغیر پیش‌بین قدرتمند در انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، مقابله با استرس و سازگاری هیجانی در روابط نزدیک است. برای نمونه، پژوهش‌های متمرکز بر کودکان و نوجوانان نشان داده‌اند که مداخلات مبتنی بر هوش متبلور موجب افزایش کارکردهای شناختی، مهارت‌های ادراکی و توانایی حل مسئله می‌شود (Ershadi, Sh Ershadi Chahardeh et al., 2024). این یافته‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که تقویت هوش متبلور نه تنها در کودکان، بلکه در بزرگسالان نیز می‌تواند در افزایش توانایی‌های شناختی و هیجانی مؤثر باشد. علاوه بر این، پژوهش‌های دیگری حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های مبتنی بر هوش متبلور می‌تواند به افزایش هوش سیال، تقویت حل مسئله و ارتقای مهارت‌های شناختی کمک کند (Zelli et al., 2024).

از سوی دیگر، مفهوم هوش شخصیتی نیز طی سال‌های اخیر به‌عنوان یک سازه میان‌رشته‌ای مطرح شده است؛ سازه‌ای که ترکیبی از توانایی شناخت و ویژگی‌های شخصیتی، مدیریت مؤثر خصایص مثبت و منفی و تنظیم هیجان‌ها در موقعیت‌های بین‌فردی است. پژوهشگران این حوزه معتقدند که هوش شخصیتی یکی از مهم‌ترین عوامل در کیفیت تعاملات زناشویی و پیشگیری از رفتارهای پرخطر عاطفی است (Ghaeibi, 2021; Mohamandost et al., 2021). نتایج تحقیقات متعدد نشان داده است که هوش شخصیتی نقش مهمی در توانایی فرد برای برقراری ارتباط سالم، مدیریت اختلافات و حفظ ثبات هیجانی در موقعیت‌های پیچیده رابطه‌ای دارد (Ghaeibi Mohammadi et al., 2021). در حقیقت، هوش شخصیتی یک عامل واسطه‌ای مهم بین هوش مدیریتی، هوش موفق و مهارت‌های بین‌فردی تلقی شده و از این رو می‌تواند در مداخلات مربوط به زنان آسیب‌دیده از خیانت نیز مؤثر باشد (Ghaebi Mihmandoust et al., 2021).

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای اخیر نشان می‌دهند که تعامل بین هوش متبلور و هوش شخصیتی می‌تواند یک سازوکار محافظتی قدرتمند در برابر فروپاشی هیجانی و شناختی ناشی از خیانت زناشویی باشد. برای مثال، تحقیقات انجام‌شده بر مدیران، دانشجویان و گروه‌های آموزشی نشان داده است که مهارت‌های شناختی و شخصیتی مبتنی بر هوش متبلور موجب افزایش خودتنظیمی، حل مسئله سازگارانه، درک رفتار دیگران و توانایی مدیریت تکانه‌های هیجانی می‌شود (Hussein, 2021; Khosh Lahje Sedq & Mohammadtahery, 2022). چنین

توانایی‌هایی در شرایطی که فرد با بحران عاطفی شدید مواجه می‌شود - مانند خیانت زناشویی - اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند؛ چرا که شناخت صحیح موقعیت، تحلیل پیامدها و واکنش سازگارانه با هیجانات، همگی نیازمند سطح بالایی از هوش شناختی و هیجانی است. افزون بر این، بخش قابل توجهی از ادبیات پژوهشی مربوط به سلامت روان، تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری ذهنی نشان می‌دهد که مهارت‌های مبتنی بر هوش متبلور ارتباط نزدیکی با توانایی فرد برای تحمل بحران‌های عاطفی، تنظیم هیجان و معنابخشی به تجربه‌های دردناک دارد. برای مثال، پژوهش‌ها حاکی از آن است که هوش متبلور، توانایی فرد را برای استفاده از دانش قبلی در جهت سازگاری با تنش‌های شدید افزایش می‌دهد (Rafiei et al., 2021). همچنین، نتایج پژوهش‌های مربوط به دانشجویان، معلمان و گروه‌های بالینی نشان داده‌اند که توانایی شناختی مبتنی بر تجربه گذشته می‌تواند در افزایش انگیزش تحصیلی، بهبود سلامت روان و ارتقای کیفیت زندگی نقش ایفا کند (Sadri Damirchi, 2018; Hussein, 2021).

از سوی دیگر، اهمیت انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در سازگاری با تجارب آسیب‌زا در ادبیات درمانی به‌خوبی تشریح شده است. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، توانایی فرد برای حضور در لحظه، پذیرش افکار و احساسات دشوار و انتخاب رفتارهای ارزش‌مدار در شرایط تنش‌آفرین است. پژوهش‌های متعددی رابطه بین آسیب‌های عاطفی و کاهش این توانایی را نشان داده‌اند؛ به‌ویژه در زنانی که تجربه خیانت زناشویی داشته‌اند، افت شدید در تنظیم هیجان، کنترل شناختی و تحمل پریشانی مشاهده شده است (Ghezelseflo et al., 2023). در چنین شرایطی، استفاده از مداخلاتی که بتوانند ساختار شناختی و هیجانی فرد را تقویت کنند، اهمیت اساسی دارد.

در یک نگاه نظام‌مند، پژوهشگران ایرانی و بین‌المللی نشان داده‌اند که مداخلات روان‌آموزشی مبتنی بر هوش متبلور ماهر می‌تواند اثرات گسترده‌ای بر بهبود مهارت‌های شناختی-هیجانی کودکان، نوجوانان و بزرگسالان داشته باشد (Ardakhani, 2022; Zelli et al., 2025). برای نمونه، یافته‌های پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که به‌کارگیری بسته‌های آموزشی مبتنی بر هوش متبلور در مدارس، موجب افزایش هوش فرهنگی، هوش اجتماعی، هوش سیال و توانایی‌های شناختی در دانش‌آموزان می‌شود (Seadatee Shamir, Zelli et al., 2024). همچنین نتایج بیانگر ظرفیت بالای این مداخلات برای ارتقای مهارت‌های بین‌فردی و شناختی است؛ مهارت‌هایی که در مدیریت بحران‌های خانوادگی نیز بسیار حیاتی هستند.

پژوهش‌های بالینی نیز اهمیت بالای هوش هیجانی و توانایی‌های شناختی در کاهش گرایش به خیانت و افزایش کیفیت روابط زناشویی را نشان داده‌اند. برای مثال، مطالعات انجام‌شده درخصوص ارتباط بین تعارضات زناشویی، گرایش به خیانت و نقش میانجی هوش هیجانی حاکی از آن است که سطوح پایین هوش هیجانی با افزایش احتمال خیانت ارتباط دارد (Lotfi, 2016; Navabinejad et al., 2024). در مقابل، افزایش توانایی شناخت هیجان‌ها، تنظیم مؤثر احساسات و مدیریت تعارض، می‌تواند روابط آسیب‌دیده را بهبود دهد و احتمال بازسازی رابطه را افزایش دهد. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که مداخلات آموزشی مبتنی بر هوش‌های شناختی و هیجانی می‌توانند نقش درمانی مؤثری در زنان آسیب‌دیده از خیانت داشته باشند.

از سوی دیگر، شواهد نشان می‌دهند که زنان پس از تجربه خیانت، دچار تحریف‌های شناختی، کاهش اعتمادبه‌نفس، سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد و کاهش توانایی پردازش هیجانی می‌شوند. در این مواقع، آموزش مبتنی بر هوش متبلور می‌تواند با تقویت مهارت‌های شناختی و افزایش تحلیل‌گری، موجب کاهش پریشانی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری و ارتقای خودکارآمدی شود (Roghani et al., 2024). به همین دلیل، استفاده از بسته‌های توانمندسازی مبتنی بر هوش متبلور ماهر در جمعیت زنان خیانت‌دیده می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. از سوی دیگر نیز، پژوهش‌های ایرانی و بین‌المللی در سال‌های اخیر به‌طور گسترده نقش هوش‌های چندگانه را در بهبود مهارت‌های شناختی، مدیریت هیجان و تاب‌آوری نشان داده‌اند. بنابراین، با توجه به شواهد نظری و تجربی، مطالعه حاضر با هدف بررسی اثربخشی بسته توانمندسازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر بر هوش شخصیتی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در زنان خیانت‌دیده انجام شد.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع تجربی و طرح مورد استفاده طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون دو گروهی است. طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل از یک گروه آزمایش و گروه کنترل تشکیل خواهد شد هر دو گروه دو بار مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند. اولین اندازه‌گیری با اجرای یک پیش‌آزمون قبل از آموزش، و دومین اندازه‌گیری پس از اتمام آموزش‌های مورد نیاز صورت گرفت. به منظور تشکیل دو گروه با استفاده از روش تخصیص تصادفی، ۱۵ زوج در گروه اول، ۱۵ زوج دیگر در گروه کنترل گروه‌بندی شدند. دو گروهی که به این ترتیب تشکیل شد تا حد امکان مشابه بوده و اندازه‌گیری متغیرهای وابسته برای هر دو گروه در یک زمان صورت گرفت.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان آسیب دیده از خیانت زناشویی مراجعه کننده به کلینیک‌های منطقه ۱ شهر تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در بازه زمانی ۳ ماه تابستان بود. بر اساس پیشینه پژوهش‌های اثربخشی نمونه لازم برای این بررسی ۲۰ نفر برای هر یک از گروهها (گروه آزمایش و گروه کنترل) محاسبه شد که با احتساب افت آزمودنی برای هر گروه نمونه ۱۵ نفر مد نظر قرار گرفت. نمونه پژوهش مورد نظر به صورت نمونه گیری هدفمند از جامعه مورد نظر انتخاب شد. به این صورت که از بین کلیه کلینیک‌های مشاوره شهر تهران، ابتدا به صورت نمونه گیری هدفمند، ۵ کلینیک انتخاب شد. و سپس از بین افرادی که متقاضی همکاری با پژوهشگر بودند انتخاب شد. حجم نمونه ۳۰ نفر بود که به صورت تصادفی به دو گروه ۱۵ نفره توانمندسازی هوش متبلور و کنترل گمارده شدند. حجم نمونه بر اساس جدول کوهن برای تحقیقات آزمایشی با در نظر گرفتن آلفای ۰/۰۵ و اندازه اثر نسبتاً بزرگ (۰/۰۴) و توان متوسط (۰/۵) برای هر گروه ۱۵ نفر یعنی مجموعاً ۳۰ نفر بدست آمد که با نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه ۴۰ نفر در نظر گرفته شدند.

الف- بسته توانمند سازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر: بسته توانمند سازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر (Saadati

Shamireh & Zahmatkesh, 2022a, 2022b) بر اساس مبنای نظری نظریه کتل هورن و کارول (chc) ساخته شده است که بعد از انجام تحلیل عاملی نظریه فوق چهارهوش بزرگ بدست آمدند. این بسته در ۱۴ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تنظیم شده است که فاصله اجرای بین هر جلسه باید حداقل دو روز باشد و محتوی جلسات و تکالیف مربوط به هر جلسه در داخل بسته آورده شده است تا قابلیت تکرار پذیری این بسته را افزایش دهد. هر کدام از این هوش‌ها ریز مولفه‌های داشتند که در جدول زیر گزارش شده اند. این آزمون دارای چهارهوش بزرگ شامل ۱- هوش شخصیتی- هیجانی(هوش شخصیتی، هوش هیجانی) ۲- هوش اجتماعی-فرهنگی (هوش اجتماعی، هوش فرهنگی، هوش مدیریتی، هوش معنوی، هوش اقتصادی، هوش فلسفی) ۳- هوش جنبشی- حرکتی(هوش ورزشی، هوش فنی) و ۴- هوش سعادت(هوش تحلیلی، هوش عملی، هوش خلاق و هوش فراشناختی) است که مجموعاً ۱۴ نوع هوش را می‌سنجند.

ب- پرسشنامه هوش شخصیتی: این پرسشنامه با هدف سنجش هوش شخصیتی توسط سعادت‌ی شامیر و زحمتکش (۱۴۰۱) ساخته شده است جامعه هدف ابزار فوق مدیران مدارس می‌باشند. این پرسشنامه دارای ۵۲ سوال و سه خرده‌متغیر بود که خرده‌متغیرها و گویه‌های مربوط به خرده‌متغیر عبارتند از ۱-شناخت ویژگی‌های شخصیتی (سوال ۱ تا ۱۴) ۲- شناخت اختلالات شخصیتی(سوالات ۱۵ تا ۳۰) ۳- مدیریت ویژگی‌های شخصیتی (سوالات ۳۱ تا ۵۲) این ابزار بر اساس مقیاس لیکرت از دامنه اصلاً تا خیلی زیاد، تنظیم می‌شود. نمره گذاری مقیاس به این صورت است که به هر ماده از ۰ تا ۴ امتیاز تعلق می‌گیرد. همه سوالات به صورت مستقیم و از راست به چپ نمره گذاری می‌شوند. بنابراین حداکثر نمره‌های که فرد می‌تواند از این مقیاس به دست آورد . نمره ۲۰۸ و حداقل نمره صفر است. نقطه برش این ابزار ۱۰۴ می‌باشد. همچنین ضریب پایایی مقیاس با استفاده از روش دو نیمه کردن آزمون گاتمن برابر ۰/۹۴ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمده است. روایی این ابزار با استفاده از روش تحلیل عامل تاییدی ۰/۷۹ به دست آمد.

ج- پرسشنامه انعطاف پذیری روانشناختی: پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دنیس و ومدروال (۲۰۱۰): این پرسش‌نامه توسط دنیس و وندرروال در سال ۲۰۱۰ معرفی شده و یک ابزار خودگزارشی کوتاه ۲۰ سؤالی که برای سنجش نوعی انعطاف‌پذیری که در موفقیت فرد برای

چالش جایگزینی افکار ناکارآمد یا افکار کارآمدتر لازم است، به کار می‌رود. این پرسش‌نامه برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در کار بالینی و غیربالینی و برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف‌پذیر در درمان شناختی رفتاری افسردگی و سایر بیماری‌های روانی به کار می‌رود و تلاش دارد تا سه جنبه از انعطاف‌پذیری شناختی را بسنجد: الف) میل به درک موقعیت‌های سخت به‌عنوان موقعیت‌های قابل درک (ادراک کنترل‌پذیری، ۱، ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۱، ۱۵، ۱۷)، ب) توانایی درک چندین توجیه جایگزین برای رویدادهای زندگی و رفتار انسان‌ها (ادراک توجیه رفتار ۸، ۱۰)، ج) توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برای موقعیت‌های سخت (ادراک گزینه‌های مختلف ۳، ۵، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰). این پرسش‌نامه دارای مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم ۱، مخالفم ۲، تا حدی مخالفم ۳، نه موافقم و نه مخالفم ۴، تاحدی موافقم ۵، موافقم ۶ و کاملاً موافقم ۷) می‌باشد. و سؤالات ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۱ و ۱۷ به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود. بالاترین نمره ۱۴۰ و پایین‌ترین ۲۰ می‌باشد.

تحلیل داده‌های پژوهش با از استفاده از روش تحلیل کوواریانس تک متغیری و تحلیل واریانس چند متغیری در نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها

با توجه به جدول (۱) اطلاعات جمعیت شناختی دو گروه نمونه در شاخص‌های متفاوت نشان داده می‌شود.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی به تفکیک هر دو گروه

متغیر	زیر مجموعه	هوش متبلور		کنترل		تعیین تفاوت دو گروه
		فرآوانی	درصد فرآوانی	فرآوانی	درصد فرآوانی	
وضعیت سنی	۲۵ تا ۳۵ سال	۶	۴۰	۵	۳۳/۳	۰/۷۶۵**
	۳۶ تا ۴۵ سال	۹	۶۰	۱۰	۶۶/۷	
وضعیت شغلی	شاغل	۷	۴۶/۷	۵	۳۳/۳	۰/۶۵۴**
	غیر شاغل	۸	۵۳/۳	۱۰	۶۶/۷	
وضعیت تحصیلی	دیپلم	۷	۴۶/۷	۶	۴۰	۰/۵۵۴**
	لیسانس	۸	۵۳/۳	۹	۶۰	

$P > 0.05^{**}$

با توجه به سطح معنی داری بالاتر از $P > 0.05$ بدست آمده در متغیرهای جمعیت شناختی در دو گروه در آزمون خی دو بنابراین متغیرهای جمعیت شناختی معرف متغیر کنترل در پژوهش هستند.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری هوش شخصیتی در گروه آزمایش و کنترل

متغیر وابسته	گروه	پیش آزمون		پس آزمون		پیگیری	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
شناخت ویژگی‌های شخصیتی	آزمایش	۱۶/۴۷	۱/۷۴	۱۹/۲۴	۴/۰۹	۱۹/۳۰	۲/۸۴
	کنترل	۱۶/۴۱	۱/۹۸	۱۶/۵۵	۱/۷۵	۱۶/۶۲	۱/۷۴
شناخت اختلالات شخصیتی	آزمایش	۱۷/۵۸	۱/۹۸	۱۹/۵۲	۲/۸۳	۱۹/۷۶	۳/۰۲
	کنترل	۱۷/۴۹	۱/۸۰	۱۷/۵۹	۱/۷۶	۱۷/۶۵	۱/۶۱
مدیریت ویژگی‌های شخصیتی	آزمایش	۱۸/۳۱	۰/۹۱	۱۹/۲۰	۴/۸۶	۱۸/۴۲	۴/۸۴
	کنترل	۱۶/۲۰	۰/۸۵	۱۶/۵۲	۱/۴۱	۱۶/۵۹	۱/۶۵
هوش شخصیتی	آزمایش	۱۰/۸/۳۱	۱۰/۲۹	۱۱/۸/۳۱	۳/۸۶	۱۲۰/۴۵	۱۱/۹۲
	کنترل	۱۰/۸/۲۰	۱۰/۱۸	۱۰/۸/۳۲	۲/۴۱	۱۰۹/۳۷	۱۱/۱۸

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات پیش‌آزمون همه خرده متغیرهای هوش شخصیتی شامل شناخت ویژگی‌های شخصیتی، شناخت اختلالات شخصیتی و مدیریت ویژگی‌های شخصیتی در گروه آزمایش و کنترل تقریباً با هم برابر بوده اما در پس‌آزمون میانگین نمرات همه خرده متغیرهای هوش شخصیتی در گروه آزمایش بالاتر از میانگین نمرات گروه کنترل بوده و همچنین در جدول فوق به تناسب مقادیر پیگیری در گروه آزمایش و کنترل نیز قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۳. میانگین و انحراف استاندارد نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون انعطاف پذیری روانشناختی در گروه آزمایش و کنترل

متغیر وابسته	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	پس‌آزمون	میانگین	انحراف استاندارد	پیگیری	میانگین	انحراف استاندارد
ادراک کنترل پذیری	آزمایش	۳۰/۵۴	۴/۸۳	۳۳/۱۰	۴/۷۰	۳۳/۱۶	۴/۵۲	۳۳/۱۶	۴/۵۲
	کنترل	۳۰/۵۷	۴/۸۵	۳۰/۵۵	۴/۸۱	۳۰/۵۲	۴/۷۷	۳۰/۵۲	۴/۷۷
ادراک توجه رفتار	آزمایش	۳۳/۸۲	۴/۴۵	۳۲/۱۸	۴/۲۲	۳۲/۲۷	۲/۲۱	۳۲/۲۷	۴/۲۲
	کنترل	۳۰/۷۹	۴/۵۰	۲۹/۸۲	۴/۶۷	۲۷/۸۹	۴/۵۰	۲۷/۸۹	۴/۶۷
ادراک گزینه‌های مختلف	آزمایش	۲۸/۳۴	۴/۴۵	۳۲/۱۸	۴/۲۲	۳۱/۲۷	۴/۲۱	۳۱/۲۷	۴/۲۲
	کنترل	۲۸/۲۱	۴/۵۲	۲۷/۱۵	۴/۶۱	۲۸/۸۱	۴/۵۳	۲۸/۸۱	۴/۶۱
انعطاف پذیری روانشناختی	آزمایش	۷۶/۱۱	۱۰/۱۷	۸۰/۲۱	۱۲/۳۲	۸۰/۳۷	۱۲/۳۱	۸۰/۳۷	۱۲/۳۱
	کنترل	۷۶/۳۱	۱۱/۹۲	۷۶/۳۳	۱۰/۴۱	۷۶/۴۱	۱۰/۹۱	۷۶/۴۱	۱۰/۹۱

چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات پیش‌آزمون انعطاف‌پذیری روانشناختی و خرده مولفه‌های آن در دو گروه آزمایش و کنترل تقریباً با هم برابر بوده اما، در پس‌آزمون میانگین نمرات انعطاف‌پذیری روانشناختی و خرده مولفه‌های آن در گروه آزمایش بالاتر از میانگین نمرات گروه کنترل بوده و همچنین در جدول فوق به تناسب مقادیر پیگیری در گروه آزمایش و کنترل نیز قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۴. مقادیر و (سطح معنی داری) متغیرهای پژوهش در آزمون نرمالیتت شاپیرو و ویلکز

متغیر وابسته	گروه	آزمایش	کنترل	معنی داری	آماره	معنی داری	آماره	معنی داری
شناخت ویژگی‌های شخصیتی	پیش‌آزمون	۰,۹۲۵	۰,۲۶۰	۰,۱۰۰	۰,۸۹۶	۰,۲۶۰	۰,۱۰۰	۰,۱۰۰
	پس‌آزمون	۰,۹۶۵	۰,۸۰۳	۰,۴۶۲	۰,۹۴۳	۰,۸۰۳	۰,۴۶۲	۰,۴۶۲
	پیگیری	۰,۹۲۶	۰,۲۶۹	۰,۹۵۰	۰,۹۷۷	۰,۲۶۹	۰,۹۵۰	۰,۹۵۰
شناخت اختلالات شخصیتی	پیش‌آزمون	۰,۹۵۵	۰,۶۴۵	۰,۶۶۹	۰,۹۵۷	۰,۶۴۵	۰,۶۶۹	۰,۶۶۹
	پس‌آزمون	۰,۹۶۷	۰,۸۴۱	۰,۹۲۹	۰,۹۷۴	۰,۸۴۱	۰,۹۲۹	۰,۹۲۹
	پیگیری	۰,۹۲۳	۰,۲۴۳	۰,۱۲۳	۰,۹۰۳	۰,۲۴۳	۰,۱۲۳	۰,۱۲۳
مدیریت ویژگی‌های شخصیتی	پیش‌آزمون	۰,۹۰۷	۰,۱۴۳	۰,۸۱۴	۰,۹۶۶	۰,۱۴۳	۰,۸۱۴	۰,۸۱۴
	پس‌آزمون	۰,۹۱۵	۰,۱۸۷	۰,۳۳۰	۰,۹۳۲	۰,۱۸۷	۰,۳۳۰	۰,۳۳۰
	پیگیری	۰,۹۵۷	۰,۶۶۹	۰,۷۳۳	۰,۹۶۱	۰,۶۶۹	۰,۷۳۳	۰,۷۳۳
هوش شخصیتی	پیش‌آزمون	۰,۹۳۲	۰,۳۳۰	۰,۹۹۷	۰,۹۸۷	۰,۳۳۰	۰,۹۹۷	۰,۹۹۷
	پس‌آزمون	۰,۹۵۳	۰,۶۰۳	۰,۸۴۱	۰,۹۶۷	۰,۶۰۳	۰,۸۴۱	۰,۸۴۱
	پیگیری	۰,۹۲۳	۰,۲۴۳	۰,۵۵۴	۰,۹۵۰	۰,۲۴۳	۰,۵۵۴	۰,۵۵۴
ادراک کنترل پذیری	پیش‌آزمون	۰,۹۰۷	۰,۱۴۳	۰,۸۱۴	۰,۹۶۶	۰,۱۴۳	۰,۸۱۴	۰,۸۱۴
	پس‌آزمون	۰,۹۱۵	۰,۱۸۷	۰,۳۳۰	۰,۹۳۲	۰,۱۸۷	۰,۳۳۰	۰,۳۳۰
	پیگیری	۰,۹۵۷	۰,۶۶۹	۰,۷۳۳	۰,۹۶۱	۰,۶۶۹	۰,۷۳۳	۰,۷۳۳
ادراک توجه رفتار	پیش‌آزمون	۰,۹۱۹	۰,۲۰۹	۰,۲۵۱	۰,۹۲۴	۰,۲۰۹	۰,۲۵۱	۰,۲۵۱
	پس‌آزمون	۰,۹۲۲	۰,۲۳۹	۰,۲۳۷	۰,۹۲۲	۰,۲۳۹	۰,۲۳۷	۰,۲۳۷
	پیگیری	۰,۹۲۳	۰,۲۴۳	۰,۰۹۶	۰,۹۶۱	۰,۲۴۳	۰,۰۹۶	۰,۰۹۶
ادراک گزینه‌های مختلف	پیش‌آزمون	۰,۹۰۷	۰,۱۴۳	۰,۸۱۴	۰,۹۶۶	۰,۱۴۳	۰,۸۱۴	۰,۸۱۴
	پس‌آزمون	۰,۹۱۵	۰,۱۸۷	۰,۳۳۰	۰,۹۳۲	۰,۱۸۷	۰,۳۳۰	۰,۳۳۰
	پیگیری	۰,۹۵۷	۰,۶۶۹	۰,۷۳۳	۰,۹۶۱	۰,۶۶۹	۰,۷۳۳	۰,۷۳۳
انعطاف‌پذیری روانشناختی	پیش‌آزمون	۰,۸۹۱	۰,۰۸۴	۰,۵۱۳	۰,۹۴۷	۰,۰۸۴	۰,۵۱۳	۰,۵۱۳
	پس‌آزمون	۰,۹۱۰	۰,۱۵۶	۰,۸۰۳	۰,۹۶۵	۰,۱۵۶	۰,۸۰۳	۰,۸۰۳
	پیگیری	۰,۹۵۴	۰,۶۲۶	۰,۲۴۷	۰,۹۲۳	۰,۶۲۶	۰,۲۴۷	۰,۲۴۷

همانگونه که در جدول ۴ نشان داده شده است مقادیر آماره شاپیرو ویلکز در نمرات پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری، هوش شخصیتی و انعطاف پذیری روانشناختی در زنان خیانت دیده به تفکیک گروه آزمایش و کنترل در متغیرها معنی دار است که بیانگر نرمال بودن توزیع متغیرها است.

جدول ۵. خلاصه نتایج تحلیل واریانس اندازه گیری مکرر (آمیخته) با گروه بندی، مراحل درمانی و تعامل متقابل

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	معنی داری	اندازه اثر	توان آزمون
هوش شخصیتی	گروه	۵۵۱۷/۹۱۴	۲	۲۷۵۸/۹۵۷	۴/۵۲۰	۰/۰۱	۰/۴۱۴	۱
	مراحل آموزش	۳۴۶۷/۸۶۵	۱	۳۴۶۷/۸۶۵	۱۲/۱۹۱	۰/۰۱	۰/۳۴۴	۱
انعطاف پذیری روانشناختی	تعامل گروه و مراحل درمان	۱۹۲۲/۶۶۷	۲	۹۶۱/۳۳۴	۳/۹۸۰	۰/۰۱	۰/۳۵۰	۱
	گروه	۱۲۲۹/۹۲۶	۲	۶۱۴/۹۶۳	۶/۹۳۶	۰/۰۱	۰/۳۲۶	۱
	مراحل آموزش	۶۶۳/۹۶۶	۱	۶۶۳/۹۶۶	۹/۲۳۳	۰/۰۱	۰/۲۸۲	۱
	تعامل گروه و مراحل آموزش	۴۶۵/۴۴۰	۲	۲۳۲/۷۲۰	۳/۱۳۸	۰/۰۱	۰/۲۴۰	۱

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد مقدار F محاسبه شده برای اثر مراحل (پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. به طور مشخص در تعامل گروه و مراحل درمان برای هوش شخصیتی و انعطاف پذیری روانشناختی در زنان خیانت دیده بدست آمده است. در نتیجه بین میانگین نمرات پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری نمرات هوش شخصیتی، و انعطاف پذیری روانشناختی در زنان خیانت دیده در مراحل سه‌گانه پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری درمانی تفاوت معنی دار وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی به منظور بررسی تفاوت بین میانگین‌ها در مراحل درمانی محاسبه شد.

جدول ۶. خلاصه نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی جهت تعیین تفاوت پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری

پیش آزمون	مرحل ۱	مرحل ۲	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	معنی داری
هوش شخصیتی	پیش آزمون	پس آزمون	۴/۰۶۹	۱/۱۸۱	۰/۰۰۱
انعطاف پذیری روانشناختی	پیش آزمون	پیگیری	۵/۴۱۵	۰/۸۲۴	۰/۰۰۱
	پس آزمون	پیگیری	۰/۳۴۶	۰/۲۸۹	۱
	پیش آزمون	پس آزمون	۵/۳۱۱	۰/۳۲۹	۰/۰۰۱
	پیش آزمون	پیگیری	۵/۴۳۲	۰/۳۰۶	۰/۰۰۱
پس آزمون	پیگیری	۰/۱۲۱	۰/۱۱۹	۱	

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد بین نمرات هوش شخصیتی، و انعطاف پذیری روانشناختی در زنان خیانت دیده در مراحل پیش آزمون با پس آزمون، پیش آزمون با پیگیری تفاوت معنی دار وجود دارد. تفاوت بین پس آزمون با پیگیری معنی دار نمی‌باشد که ناشی از ثبات درمان است. مقایسه میانگین‌های نشان می‌دهد که هوش شخصیتی و انعطاف پذیری روانشناختی در زنان خیانت دیده در مرحله پس آزمون و مرحله پیگیری نسبت به مرحله پیش آزمون به طور معنی دار متفاوت است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که بسته توانمندسازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر، در مقایسه با گروه کنترل، به‌طور معناداری موجب افزایش هوش شخصیتی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در زنان خیانت‌دیده در پس آزمون و مرحله پیگیری شده است. این الگوی تغییر، که در قالب تفاوت در میانگین‌ها و اثر معنی‌دار تعامل گروه × مرحله مشاهده شد، بیانگر آن است که مداخله نه‌فقط یک اثر کوتاه‌مدت، بلکه اثری نسبتاً پایدار بر ساختارهای شناختی و هیجانی این گروه آسیب‌پذیر داشته است. افزایش خرده‌مقیاس‌های شناخت ویژگی‌های شخصیتی، شناخت اختلالات شخصیتی و مدیریت ویژگی‌های شخصیتی، همراه با ارتقای ادراک کنترل‌پذیری، ادراک توجیه رفتار و ادراک گزینه‌های

مختلف در حوزه انعطاف‌پذیری، تصویری منسجم از این یافته‌ها ارائه می‌کند که بر قدرت بسته مبتنی بر هوش متبلور ماهر در بازسازی شناختی و هیجانی زنان خیانت‌دیده دلالت دارد.

برای تبیین این یافته‌ها، نخست باید به ماهیت هوش متبلور ماهر و جایگاه آن در ادبیات هوش‌های چندگانه اشاره کرد. هوش متبلور ماهر بر انباشت دانش، تجربه، فهم واژگانی، سازه‌های فرهنگی و توانایی استفاده از آموخته‌ها در موقعیت‌های نو استوار است و در کارهای نظری و ابزاری متعدد معرفی و استاندارد شده است (Saadati Shamir, 2022; Seadatee Shamir & Zainab Zahamatkesh, 2022).

مدل‌های جدید هوش، نشان داده شده که آموزش‌های هدفمند مبتنی بر هوش متبلور، می‌تواند هم در سطح هوش سیال و هم در سطح کارکردهای اجرایی و شناختی پیچیده اثرگذار باشد (Ershadi Chahardeh, 2024; Sh Ershadi Chahardeh et al., 2024). (Roghani, 2024). نتایج این پژوهش به‌طور تجربی نشان می‌دهد که این نوع مداخله، وقتی برای زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی به‌کار گرفته می‌شود، فراتر از ارتقای صرف توانایی‌های شناختی، به بهبود هوش شخصیتی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی نیز منجر می‌شود.

یافته‌های مربوط به افزایش هوش شخصیتی با بدنه قابل توجهی از پژوهش‌های پیشین در حوزه مدل‌های صلاحیت و شایستگی مدیران و کارکنان همسو است. در این مطالعات، هوش شخصیتی به‌عنوان یک سازه ترکیبی معرفی شده که شناخت ویژگی‌های شخصیتی، مدیریت خصایص و درک اختلالات شخصیتی را دربر می‌گیرد و نقش واسطه‌ای میان هوش مدیریتی، هوش موفق و پیامدهای حرفه‌ای دارد (Ghaeibi

Mohammadi et al., 2021; Ghaeibi Mohamandost, 2021; Ghaeibi Mihmandoust, 2021; Ghayebi; Mehmandoost, 2021). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که همان منطق نظری را می‌توان در سطح روابط نزدیک و زندگی زناشویی

به‌کار بست؛ بدین معنا که تقویت هوش متبلور، از طریق افزایش دانش خودشناسانه و درک عمیق‌تر ویژگی‌های شخصیتی، به رشد هوش شخصیتی در زنان خیانت‌دیده منجر می‌شود. وقتی فرد بهتر می‌فهمد چه الگوهای شخصیتی، آسیب‌پذیری‌ها و سبک‌های مقابله‌ای در او فعال است، بهتر می‌تواند واکنش خود را در برابر بحران خیانت تنظیم کند و از رفتارهای تکانشی، خودسرزنی افراطی یا تعمیم‌های منفی گسترده پرهیز نماید.

از منظر هم‌سویی با پژوهش‌های حوزه هیجان و روابط زناشویی، نتایج حاضر با مطالعاتی هم‌راستا است که نشان داده‌اند تعارضات زناشویی و گرایش به خیانت با مؤلفه‌هایی چون هوش هیجانی، خودتنظیمی و مهارت‌های شناختی ارتباط تنگاتنگ دارد. در پژوهشی که نقش میانجی هوش هیجانی را در رابطه بین تعارضات زناشویی و تمایل به خیانت بررسی کرده است، نشان داده شد که سطوح پایین آگاهی هیجانی، تنظیم عاطفه و همدلی، احتمال حرکت به سوی روابط فرازناشویی را افزایش می‌دهد (Navabinejad et al., 2024). در همین راستا، ارتباط سبک‌های دلبستگی ناایمن، ویژگی‌های شخصیتی و شکست عاطفی در روابط، در قالب الگوهای شناختی و هیجانی ناسازگار تحلیل شده است (Lotfi & Seadatee Shamir, 2016). یافته‌های پژوهش حاضر این تصویر نظری را تکمیل می‌کند؛ زیرا نشان می‌دهد که اگر ساختار شناختی و تجربی زنان خیانت‌دیده از طریق هوش متبلور بازسازی شود، هم هوش شخصیتی بهبود می‌یابد و هم انعطاف‌پذیری روان‌شناختی که خود بستر ضروری برای تنظیم هیجان و بازتعریف رابطه با خود و دیگری است.

نتایج به‌دست‌آمده درباره افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی نیز با مطالعات حوزه انعطاف‌پذیری شناختی، سلامت روان و سازگاری با فشارهای محیطی هم‌خوان است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که انعطاف‌پذیری شناختی و روان‌شناختی توانایی فرد برای تغییر دیدگاه، تولید راه‌حل‌های جایگزین و بازسازی تفسیر از یک موقعیت را افزایش می‌دهد و این ویژگی با کاهش نشانه‌های روان‌شناختی، افسردگی و اضطراب همراه است (Sadri Damirchi, 2018; Gunduz, 2013). همچنین در زمینه روابط صمیمی، مطالعات متعددی نشان داده‌اند که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دوره‌های بحران (مانند پاندمی کووید-۱۹) پیش‌بین مهمی برای سازگاری زوجین و کیفیت رابطه بوده است (Rafiei et al., 2021). هم‌سویی نتایج این پژوهش با یافته‌های مذکور نشان می‌دهد که تقویت هوش متبلور ماهر، از طریق گسترش دامنه تفکر و افزایش گزینه‌های ادراکی و رفتاری، می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم ظرفیت پذیرش، بازسازی شناختی و عمل ارزش‌محور را در زنان خیانت‌دیده افزایش دهد.

نکته مهم دیگر در تبیین نتایج این است که هوش متبلور ماهر در چارچوب مدل‌های چندبعدی هوش (مانند رویکردهای مبتنی بر CHC) طراحی شده و در طیف وسیعی از مداخلات شناختی و آموزشی آزمون شده است (Seadatee Shamir & Zainab Zahamatkesh, 2022؛ Saadati Shamir, 2022). پژوهش‌های مداخله‌ای متعدد نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزشی مبتنی بر این رویکرد، چه در قالب بسته‌های کلاسیک و چه در قالب مداخلات شناختی مبتنی بر برنامه‌هایی نظیر Lumosity، می‌توانند به افزایش هوش سیال، سرعت پردازش، توجه و کارکردهای اجرایی منجر شوند (Roghani, Ershadi Chahardeh, 2024؛ Sh Ershadi Chahardeh et al., 2024). یافته‌های پژوهش حاضر بیان می‌کند که وقتی همین منطق آموزشی در یک قالب توانمندسازی فردی برای زنان مواجه با خیانت زناشویی به کار می‌رود، نه تنها کارکردهای شناختی پایه، بلکه ساختارهای سطح بالاتری مانند هوش شخصیتی و انعطاف‌پذیری روانی نیز ارتقا می‌یابند.

از سوی دیگر، نتایج با مطالعاتی که به نقش هوش هیجانی، باورهای فراشناختی و متغیرهای شخصیتی در سلامت روان و انگیزش تحصیلی پرداخته‌اند نیز هم‌خوانی دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هوش هیجانی، باورهای فراشناختی و طرحواره‌های شناختی می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر انگیزش، سلامت روان و خودارزشمندی اثر بگذارند (Hussein, 2021؛ Khosh Lahje Sedq, 2022). این یافته‌ها در کنار پژوهش‌هایی که تأکید می‌کنند افراد دارای انعطاف‌پذیری شناختی و اخلاقی بیشتر، در مواجهه با چالش‌ها از سلامت روان بالاتری برخوردارند (Sadri Damirchi et al., 2018)، از این ایده حمایت می‌کنند که مداخلات مبتنی بر هوش متبلور ماهر می‌تواند همان مسیرهای شناختی و هیجانی را در زنان خیانت‌دیده فعال سازد؛ یعنی بازسازی باورها، افزایش درک چندبعدی از موقعیت و کاهش ذهن‌گرایی افراطی بر اساس یک روایت واحد از خیانت.

از منظر تخصصی‌تر، استفاده از بسته توانمندسازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر در این پژوهش با جریانی از کارهای پژوهشی هم‌سواست که بر طراحی آزمون‌ها، بسته‌ها و ابزارهای مبتنی بر مدل ماهر تأکید کرده‌اند. توسعه و هنجاریابی آزمون‌های چندوجهی هوش سیال و متبلور ماهر برای کودکان و نوجوانان نشان داده است که این ابزارها از روایی و پایایی مناسب برخوردارند و می‌توانند برای برنامه‌ریزی مداخلات آموزشی و درمانی به کار روند (Saadati Shamir, 2022؛ Seadatee Shamir & Zainab Zahamatkesh, 2022). همچنین، کارآزمایی‌های مداخله‌ای بر روی دانش‌آموزان، اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر هوش متبلور بر افزایش هوش تحصیلی، توجه و کارکردهای اجرایی را تأیید کرده‌اند (Ardakhani, 2022؛ Seadatee Shamir, 2024). پژوهش حاضر در امتداد همین خط پژوهشی اما در حوزه زنان خیانت‌دیده قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که کاربرد این رویکرد صرفاً به محیط‌های تحصیلی و کلاسی محدود نیست و می‌تواند در بافت‌های بالینی و خانوادگی نیز نتایج ارزشمندی به همراه داشته باشد.

یافته‌ها همچنین با مطالعاتی که بر نقش مداخلات هیجانی و شناختی در کاهش پیامدهای آسیب‌زای خیانت تأکید کرده‌اند هم‌راستا است. در مداخلات مبتنی بر تکنیک‌های رهایی هیجانی و کار بر روی تروماهای مرتبط با خیانت زناشویی، نشان داده شده که مداخلات نظام‌مند می‌توانند علائم استرس پس از سانحه، اجتناب، بازتجربه و برانگیختگی را در زنان کاهش دهند (Ghezelseflo et al., 2023). پیوند این یافته‌ها با نتایج مطالعه حاضر آن است که بسته مبتنی بر هوش متبلور، علاوه بر جنبه شناختی، از طریق بازتعریف معنایی تجربه خیانت و افزایش درک چندبعدی از خود و دیگری، می‌تواند به کاهش شدت واکنش‌های آسیب‌زا کمک کند؛ هرچند در این پژوهش مستقیماً شاخص‌های آسیب‌زایی مانند PTSD سنجیده نشده است.

در نهایت، هم‌سویی کلی نتایج این پژوهش با بدنه ادبیات موجود در حوزه هوش متبلور، هوش شخصیتی، هوش هیجانی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و مداخلات مبتنی بر توانمندسازی شناختی، نشان می‌دهد که مدل ماهر و بسته توانمندسازی فردی مبتنی بر آن، ظرفیت بالایی برای ورود به پروتکل‌های بالینی ویژه زنان خیانت‌دیده دارد (Zelli et al., 2024؛ Zelli, 2025). این هم‌سویی نظری و تجربی، اعتبار بیرونی یافته‌ها را تقویت می‌کند و زمینه را برای توسعه و آزمون بیشتر این بسته در گروه‌های بالینی متنوع‌تر فراهم می‌سازد.

با وجود نقاط قوت، این پژوهش با چند محدودیت همراه است. حجم نمونه نسبتاً کوچک و محدود بودن آن به زنان مراجعه‌کننده به کلینیک‌های منطقه‌ای خاص، تعمیم نتایج به کل جامعه زنان خیانت‌دیده را با احتیاط همراه می‌کند. استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند نیز احتمال سوگیری در ترکیب نمونه را افزایش می‌دهد. تکیه بر ابزارهای خودگزارشی، پژوهش را در معرض خطاهای ناشی از مطلوبیت اجتماعی، خودآگاهی ناکامل یا تمایل به پاسخ‌دهی دفاعی قرار داده است. همچنین دوره پیگیری نسبتاً کوتاه بوده و امکان بررسی پایداری اثرات در بازه‌های زمانی طولانی‌تر فراهم نشده است. افزون بر این، متغیرهای مهم دیگری مانند سطح حمایت اجتماعی، شدت تروما، نوع و مدت خیانت و وضعیت فعلی رابطه زناشویی کنترل یا اندازه‌گیری نشده‌اند که می‌توانند در الگوی پاسخ به مداخله نقش‌آفرینی کنند.

با توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر از نظر فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی استفاده شود و طرح‌های چندمرکزی به کار گرفته شود تا اعتبار بیرونی نتایج افزایش یابد. انجام پیگیری‌های طولانی‌مدت‌تر شش‌ماهه یا یک‌ساله می‌تواند پایداری اثرات مداخله را روشن‌تر سازد. پیشنهاد می‌شود متغیرهای دیگری مانند افسردگی، نشخوار فکری، رضایت زناشویی، کیفیت زندگی، معنایابی پس از تروما و تاب‌آوری نیز در کنار هوش شخصیتی و انعطاف‌پذیری مورد بررسی قرار گیرند. همچنین طراحی مطالعات مقایسه‌ای که در آن بسته هوش متبلور ماهر با رویکردهایی مانند درمان پذیرش و تعهد، درمان متمرکز بر هیجان، طرحواره‌درمانی و مداخلات مبتنی بر ذهن‌آگاهی مقایسه شود، می‌تواند تصویر دقیق‌تری از جایگاه نسبی این مداخله فراهم کند. به‌علاوه، استفاده از روش‌های کیفی برای کاوش تجربیات زیسته زنان از شرکت در این بسته آموزشی می‌تواند سازوکارهای عمیق‌تر تغییر را آشکار کند.

از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌کند که درمانگران خانواده، روان‌شناسان بالینی و مشاوران زنان خیانت‌دیده، بسته توانمندسازی فردی مبتنی بر هوش متبلور ماهر را به‌عنوان یک مداخله مکمل در کنار رویکردهای هیجانی و رابطه‌محور به کار گیرند. طراحی کارگاه‌های گروهی برای زنان آسیب‌دیده، با تمرکز بر شناخت ویژگی‌های شخصیتی، بازخوانی تجربه‌های زندگی، تحلیل الگوهای ارتباطی و گسترش گزینه‌های رفتاری، می‌تواند به افزایش احساس کارآمدی، بازسازی هویت و کاهش درماندگی کمک کند. همچنین ادغام عناصر این بسته در برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج و آموزش مهارت‌های زندگی، می‌تواند نقش پیشگیرانه مهمی در کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت و تعارضات زناشویی ایفا نماید. در سطح سیاست‌گذاری، گنجاندن آموزش‌های مبتنی بر هوش متبلور در برنامه‌های توانمندسازی زنان در مراکز بهزیستی، سازمان‌های مردم‌نهاد و کلینیک‌های خانواده، می‌تواند به ارتقای سلامت روان و سرمایه روان‌شناختی زنان در مواجهه با بحران‌های زناشویی کمک شایانی کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

چکیده گسترده

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Marital infidelity is widely recognized as one of the most destructive relational stressors, often leading to severe emotional, cognitive, and interpersonal consequences for affected women. Research consistently shows that women who experience betrayal frequently suffer from heightened emotional distress, negative self-appraisals, cognitive rigidity, maladaptive behavioral responses, and diminished psychological resources necessary for coping adaptively with relational trauma (Ghezelsef et al., 2023). Within the broader literature on psychological functioning, two cognitive–personality constructs—crystallized intelligence and personality intelligence—have recently gained prominence for their explanatory power in understanding how individuals interpret emotionally stressful events and make sense of relational dynamics (Gunduz, 2013).

Crystallized intelligence represents the accumulated knowledge, reasoning skills, and experiential learning that individuals draw upon to navigate complex interpersonal challenges. Studies in cognitive development and educational psychology demonstrate that crystallized intelligence plays a foundational role in higher-order decision-making, emotional understanding, and problem-solving abilities (Seadatee Shamir, 2024; Zelli et al., 2024). Furthermore, recent evidence indicates that educational-psychological interventions based on crystallized intelligence can enhance socio-cultural understanding, strengthen analytical reasoning, and improve adaptive behavior across various age groups (Zelli et al., 2025). These findings underscore the potential applicability of crystallized intelligence as a therapeutic and educational mechanism for individuals facing emotionally distressing circumstances, such as marital infidelity.

Complementing this construct, personality intelligence has emerged as a multidimensional capacity that enables individuals to recognize personality traits, manage personal tendencies, and regulate emotional reactions effectively in interpersonal contexts. Several studies have identified personality intelligence as a mediator between managerial intelligence and successful performance, showing that individuals with higher personality intelligence demonstrate better emotional self-regulation, more accurate interpretation of interpersonal cues, and stronger relational competencies (Ghaebi Mihmandoust et al., 2021; Ghaeibi Mohamandost et al., 2021; Ghaeibi Mohammadi et al., 2021; Ghayebi Mehmandoost et al., 2021). These findings suggest that enhancing personality intelligence may serve as a promising pathway for helping betrayed women rebuild self-understanding, emotional equilibrium, and relational clarity.

Moreover, evidence from clinical and educational interventions highlights the effectiveness of cognitive empowerment programs—including those derived from the Luminosity model—in improving cognitive flexibility, executive functioning, and metacognitive skills (S. Ershadi Chahardeh et al., 2024; Sh Ershadi Chahardeh et al., 2024; Roghani et al., 2024). Given that betrayed women often experience cognitive rigidity, intrusive thoughts, and difficulties in emotional processing, cognitive empowerment based on crystallized intelligence may facilitate healthier interpretations of relational trauma and promote adaptive coping patterns.

Psychological flexibility, defined as the ability to remain open to inner experiences while engaging in behavior aligned with personal values, is a crucial component of post-traumatic recovery. Empirical studies show that psychological flexibility is strongly associated with emotional intelligence, mental health, and resilience under stressful relational conditions (Hussein, 2021; Rafiei et al., 2021). Since betrayal can lead to emotional overwhelm and maladaptive behavioral responses, strengthening psychological flexibility through cognitive empowerment may help women regulate emotions more effectively, reduce internalized self-blame, and enhance their ability to navigate the aftermath of infidelity with greater psychological stability.

Further, studies exploring emotional dynamics in couples demonstrate that cognitive and emotional intelligence act as mediators in the relationship between marital conflicts and tendencies toward infidelity (Navabinejad et al., 2024). These findings emphasize the psychological mechanisms that shape how individuals interpret marital tensions and whether they adopt constructive or destructive coping strategies. They also highlight the strong potential of targeted interventions that improve emotional and cognitive competencies to support relational well-being.

Considering these empirical foundations, interventions based on crystallized intelligence—particularly those developed within the Maher model—offer a structured, multi-component framework capable of strengthening cognitive, emotional, and interpersonal competencies. Prior studies have confirmed their effectiveness in enhancing analytical reasoning, socio-cultural understanding, fluid intelligence, and executive functioning among students and adolescents (Khosh Lahje Sedq & Mohammadtahery, 2022; Saadati Shamir & Zahmatkesh, 2022; Seadatee Shamir & Zainab Zahamatkesh, 2022). These abilities are directly relevant to the needs of betrayed women, who often struggle with emotional dysregulation, confusion, and impaired meaning-making following the trauma of infidelity.

Given the growing body of knowledge and the theoretical rationale linking crystallized intelligence, personality intelligence, and psychological flexibility, applying a personal empowerment package grounded in Maher crystallized intelligence may serve as an effective strategy for supporting women affected by infidelity. Therefore, the present study aimed to investigate the effectiveness of a personal empowerment package based on Maher crystallized intelligence on personality intelligence and psychological flexibility in betrayed women.

Methods and Materials

The study employed a semi-experimental design using a pre-test, post-test, and one-month follow-up structure with a control group. The statistical population consisted of women affected by marital infidelity who sought services from counseling centers in District 1 of Tehran. From this population, 30 participants who met the inclusion criteria were selected through purposive sampling and randomly allocated to experimental and control groups.

The intervention consisted of a 14-session personal empowerment package based on Maher crystallized intelligence, with each session lasting 90 minutes. The package included structured educational, cognitive, and analytical exercises aimed at enhancing self-awareness, strengthening cognitive reasoning, facilitating emotional understanding, and promoting adaptive responses.

Assessment tools included two standardized instruments: the Personality Intelligence Questionnaire and the Psychological Flexibility Questionnaire. These instruments were administered at three stages: pre-test, post-

test, and one-month follow-up. Data were analyzed using univariate ANCOVA and repeated-measures ANOVA to determine group differences and assess the sustainability of the intervention's effects.

Findings

Results indicated significant improvements in both personality intelligence and psychological flexibility among participants in the experimental group compared to the control group. In the domain of personality intelligence, the experimental group showed higher scores in recognizing personality traits, understanding maladaptive patterns, and managing personality characteristics following the intervention. These improvements were sustained at the one-month follow-up, indicating the stability of treatment effects.

Regarding psychological flexibility, the experimental group demonstrated increased ability to regulate emotions, perceive alternative explanations for interpersonal events, and select adaptive behavioral responses during emotional challenges. Again, gains observed in the post-test remained stable during follow-up.

Interaction effects between group and time were statistically significant for both variables, confirming that the intervention—not external factors—was responsible for observed improvements. Pairwise comparisons using Bonferroni tests showed significant differences between pre-test and post-test, as well as pre-test and follow-up, whereas no significant differences emerged between post-test and follow-up, highlighting the persistence of treatment effects.

Overall, statistical analyses revealed that the personal empowerment package based on Maher crystallized intelligence exerted a robust and sustained influence on both personality intelligence and psychological flexibility among betrayed women.

Discussion and Conclusion

The findings of this study underscore the efficacy of cognitive-educational interventions grounded in crystallized intelligence for enhancing both personality intelligence and psychological flexibility in women affected by marital infidelity. The notable improvements in personality intelligence suggest that participants were able to gain deeper insight into their behavioral tendencies, identify maladaptive patterns, and strengthen their capacity for self-regulation. These improvements likely stem from the intervention's emphasis on structured cognitive exercises, reflective analysis, and guided exploration of personal characteristics.

Enhancements in psychological flexibility further highlight the value of crystallized intelligence-based training in facilitating adaptive emotional and cognitive functioning. Betrayed women often struggle with overwhelming emotions, intrusive thoughts, and rigid interpretations of relational events. The intervention appears to have helped participants broaden their interpretive frameworks, engage more effectively with difficult emotions, and select responses aligned with their personal values rather than reactive impulses.

The stability of these improvements over the one-month follow-up period suggests that the intervention successfully promoted internalized and lasting cognitive change, rather than temporary behavioral shifts. This indicates that the program's components were absorbed meaningfully by participants and integrated into their daily functioning.

In conclusion, the personal empowerment package based on Maher crystallized intelligence represents a promising approach for supporting betrayed women in rebuilding their psychological well-being. By strengthening cognitive insight, emotional understanding, and adaptive flexibility, this intervention provides a comprehensive framework for addressing the complex aftermath of marital infidelity. The findings highlight the potential of crystallized intelligence as a therapeutic foundation for resilience-building programs and suggest its broader applicability in clinical and counseling settings.

References

- Ershadi Chahardeh, S., Saadati Shamir, A., & Zabihi, R. (2024). The Effectiveness of Cognitive Empowerment Based on the Lumosity Program on Maher Crystallized Intelligence of Elementary School Boys. *International Journal of Education and Cognitive Sciences*, 5(5), 149-157. <https://doi.org/10.61838/kman.ijecs.5.5.16>
- Ershadi Chahardeh, S., Seadatee Shamir, A., & Zabihi, R. (2024). The Effectiveness of Lumosity-Based Cognitive Empowerment on Maher Fluid Intelligence and Cognitive Functions in Elementary School Boys. *International Journal of Education and Cognitive Sciences*, 5(3), 86-93. <https://doi.org/10.61838/kman.ijecs.5.3.11>
- Ghaebi Mihmandoust, M. R., Ghadami, M., Saadati Shamir, A., & Rezaei, S. (2021). Developing a Competency Model for Professional Qualifications of Special School Managers Based on Managerial and Successful Intelligence with a Mediating Role of Personality Intelligence. *Psychology of Exceptional Individuals*, 11(42), 83-110. https://jpe.atu.ac.ir/article_13112.html
- Ghaeibi Mohamandost, M. R., Ghadami, M., Sa'adati Shamiri, A., & Rezaei, S. (2021). Developing a Model of Competencies and Professional Qualifications for Exceptional School Managers Based on Management Intelligence and Success with the Mediating Role of Personality Intelligence. *Journal of Exceptional Individuals*, 11(42), 83-110. https://jpe.atu.ac.ir/article_13112.html
- Ghaeibi Mohammadi, M. R., Ghadami, M., Saadati Shamireh, A., & Rezaei, S. (2021). Developing a competency model for exceptional school managers based on managerial intelligence and success with the mediating role of personality intelligence. *Psychology of Exceptional Individuals*, 11(42), 83-110.
- Ghayebi Mehmandoost, M. R., Ghadami, M., Seadatee Shamir, A., & Rezaei, S. (2021). Developing a Model of Professional Competencies and Competencies of School Principals Based on Successful Managerial Intelligence with the Mediating Role of Personality Intelligence. *Journal of Psychology of Exceptional Individuals*, 11(42), 83-110. https://jpe.atu.ac.ir/article_13112.html
- Ghezelsefloo, M., Navabinezhad, S., Rostami, M., & Parsakia, K. (2023). The Effectiveness of Emotional Freedom Techniques on Reducing Symptoms of Post-Traumatic Stress Disorder Among Women Affected by Marital Infidelity. *Psychology of Woman Journal*, 4(4), 92-101. <https://doi.org/10.61838/kman.pwj.4.4.11>
- Gunduz, B. (2013). Emotional intelligence, cognitive flexibility and psychological symptoms in pre-service teachers. *Educational Research and Reviews*, 8(13), 1048-1056. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=6ec99b6da332c091129471bbfaef04b59eb9c7b6>
- Hussein, K. (2021). The relationship between emotional intelligence and academic motivation of pre-university students using the mediating role of mental health. *Management and Educational Perspective*, 3(2), 77-98. <https://doi.org/10.22034/jmep.2021.294708.1060>
- Khosh Lahje Sedq, A., & Mohammadtahery, M. (2022). Prediction of self-esteem based on attachment style, metacognitive belief and emotional intelligence in college students. *Iranian Journal of Neurodevelopmental Disorders*, 1(3), 0-0. <https://maherpub.com/jnidd/article/view/8>
- Lotfi, N., & Seadatee Shamir, A. (2016). The relationship between personality characteristics and attachment styles and emotional breakdown. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 6(1), 98-112.
- Navabinejad, S., Rostami, M., & Parsakia, K. (2024). The Mediating Role of Emotional Intelligence In The Relationship Between Marital Conflicts And Tendency To Marital Infidelity In Couples. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling*, 5(1), 1-8. <https://doi.org/10.61838/kman.jarac.5.1.1>
- Rafiei, P., Ahadi, M., & Banisi, P. (2021). The Relationship Between Psychological Flexibility and Emotional Intelligence on Couples' Adjustment During the COVID-19 Pandemic: A Case Study of Couples in Tehran. *Nafs Quarterly*, 8(2), 48-60. <https://journals.sbmu.ac.ir/nafas/article/view/36266>
- Roghani, F., Saadati Shamir, A., Abdollahpour, M. A., & Hashemi, N. (2024). The effectiveness of the Maher fluid intelligence psychological-educational intervention package on executive functions in children with attention deficit hyperactivity disorder. *Sociology of Education*, 10(2), 46-56. <https://doi.org/10.61838/kman.pdmd.3.2.16>
- Saadati Shamir, A., & Zahmatkesh, Y. (2022). Introducing a tool: Development and standardization of the first version of the Multifaceted Crystallized Intelligence Test (MMFIT) for students aged 7 to 9. *Quarterly Journal of Health and Education During Early Student Years*, 3(2), 57-84. <https://www.magiran.com/paper/2515892/introducing-a-test-construction-and-standardization-of-the-first-version-of-maher-multifunctional-fluid-intelligence-test-mmfit-for-children-age-7-to-9-years-old?lang=en>
- Saadati Shamireh, A., & Zahmatkesh, Y. (2022a). Introducing a tool: Construction and standardization of the first version of the Multifaceted Crystallized Intelligence Test (MMFIT) for students aged 7 to 9. *Quarterly Journal of Health and Education in Early Student Life*, 3(2), 57-84.

- Saadati Shamireh, A., & Zahmatkesh, Y. (2022b). Introducing a tool: Development and standardization of the first version of the Multidimensional Fluid Intelligence Test (MMFIT) for children aged 7 to 9. *Health and Education in Early Childhood*, 3(2), 57-84. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://jeche.ir/browse.php%3Fa_id%3D85%26sid%3D1%26slc_lang%3Dfa&ved=2ahUKEwjwKOsi5yOAXMgf0HHTebMk8QFnoECB8QAQ&u sg=AOwaw1C_ND5nYkMDeAfA9CT_4qq
- Sadri Damirchi, E., Mohammadi, N., & Rahimi Zarj Abad, N. (2018). Prediction of Mental Health based on Moral Intelligence and Cognitive Flexibility in Nursing Students. *Journal of Medical Ethics*, 12(43), 16. <https://www.magiran.com/paper/2354491>
- Seadatee Shamir, A. (2024). The Effectiveness of Teaching Math Skills on Increasing the crystallized Intelligence of Secondary School Students of Shahed Schools. *Journal of Psychological Dynamics in Mood Disorders (PDMD)*, 2(4), 136-152. <https://doi.org/10.22034/pdmd.2024.444922.1058>
- Seadatee Shamir, A., & Zainab Zahamatkesh, Y. (2022). Introducing a test: construction and standardization of the first version of Maher Multifunctional Fluid Intelligence Test (MMFIT) for children age 7 to 9 years old [Research]. *Early Childhood Health And Education*, 3(2), 57-84. <http://jeche.ir/article-1-85-en.html>
- Zelli, M. H., Seadatee Shamir, A., & Kazemi, A. (2024). Effectiveness of Psycho-Educational Intervention of Maher Crystallized intelligence on Increasing Socio-Cultural Intelligence in Elementary Second Period Students of Tehran City. *Sociology of Education.*, 10(3), 275-288. <https://www.iase-jrn.ir/index.php/se/article/view/506>
- Zelli, M. H., Seadatee Shamir, A., & Kazemi, A. (2025). The Effectiveness of the Maher Crystallized Intelligence Educational-Psychological Intervention on Enhancing Fluid Intelligence and Socio-Cultural Intelligence. *Mental Health and Lifestyle Journal*, 3(1), 1-14. <https://doi.org/10.61838>